

دریچه ای بر مدیریت زمان

عبدالرسول درودی

@yahoo.com۹۸۲Rasool

زمان ارزشمندترین سرمایه موجود نزد هر فرد، گروه و سازمان است که با دیگر سرمایه ها به هیچ عنوان قابل مقایسه نیست. اینک به نظر می رسد تنها سرمایه در اختیار انسان زمان است و بس. زیرا تولید پول، ماشین و فناوری و حتی انسان وابسته به صرف وقت و تامین زمان است و تنها سرمایه غیرقابل خریداری و غیرقابل تولید، زمان است. (محمدتقی مشایخی - تدبیر ۱۳۴ - ص ۱۰۱)

حال این سوال مطرح است که مدیریت زمان در این میان چه نقشی را ایفا می کند؟

همه می دانند که زمان گذراست و در اختیار ما نیست، پس مدیریت این سرمایه چه مفهومی می تواند داشته باشد؟

به نظر می رسد که استفاده از واژه مدیریت زمان صحیح نباشد و استفاده از برنامه ریزی زمان مطلوب تر باشد. در واقع اکثر صاحب نظران علم مدیریت معتقدند که زمان اساساً اداره شدنی نیست و از مدیریت زمان، تعبیر به مدیریت بر خویشتن می کنند و تنها به ارائه برنامه ها و طرحهایی جهت جلوگیری از اتلاف وقت اکتفا می کنند، زمان اساساً اداره شدنی نیست و خواه ناخواه زمان می گذرد و این ما هستیم که بایستی از آن به خوبی استفاده کنیم. به یک تعبیر، مدیریت زمان در واقع همان مدیریت بر خویشتن است؛ شناخت صحیح و به موقع عواملی که وقت ما را هدر می دهند، خیلی مهم است، زیرا بدین ترتیب راه درمان بیماری اتلاف وقت را کوتاه خواهیم کرد. (تدبیر ۱۴۴ - ص ۸۳)

همه اندیشمندان در کتابها و مقالات خود یک الگوی خاص و قالبی را جهت جلوگیری از هدر رفتن وقت ارائه می کنند و در اصطلاح به آن مدیریت زمان می گویند که شامل سه اصل کلی (۱) هدف گذاری (۲) تعیین اولویتها و (۳) رعایت اولویتهاست. آنچه این بزرگواران بیان می کنند تنها استفاده صحیح از وقت است، نه مدیریت زمان! از شاخصه های مدیریت، کنترل بر عوامل دخیل در آن است. نکته ای که تصور آن در مورد زمان امری محال و غیرممکن می نماید.

الک مکنزی در کتاب مدیریت بهره وری از زمان کنترل را چنین تعریف می کند: کنترل زمان بدین معناست که این خود شما هستید که مشکل دارید نه شخص دیگری. این به معنای آن است که باید با همه توان بکوشید تا عادات جاافتاده را ترک کنید. این به معنای آن است که باید بر کششهای منفی طبیعت انسانی چیره شوید. این نوشته خواهان آن است که به موضوع کنترل زمان از نظرگاهی دیگر اشاره کند و دریچه ای دیگر بر روی این علم بگشاید زیرا به نظر می رسد که در سالهای گذشته مبحث کنترل زمان در حاشیه قرار داشته است. کنترل زمان و مدیریت بر آن یعنی به اختیار در آوردن بازه زمانی تاثیرگذار بر یک تصمیم و جدا کردن آن بازه از قطار زمان، به نحوی که گذر زمان بر آن تصمیم بی اثر شود. لحظه ای که ما توانایی آن را داشته باشیم که تصمیمات مناسبی اتخاذ یا انتخاب کنیم که گذر زمان بر اجرای آنها بی تاثیر باشد؛ دیگر زمان در کنترل ما خواهد بود و مدیریت زمان معنا خواهد داشت. به دیگر سخن، مدیریت زمان را می توان اینگونه تعریف کرد: تثبیت عامل زمان در تصمیم گیریهای آگاهانه. اگرچه اتخاذ یا انتخاب تصمیمی که به طور مطلق تاثیر زمان را بر آن تصمیم از بین ببرد تقریباً غیرممکن است اما می توان بازه های زمانی متنوعی را ایجاد کرد، در کنترل گرفت و بر آن مدیریت کرد. به عنوان مثال، اگر یک مدیر باتوجه به طول دوره رشد عمر محصول تولیدی؛ درصد تولید همان محصول یا محصول جدیدی با قابلیتهای بهتر برآید و منحصر به فردی کالای خود را حفظ کند تاثیرگذاری زمان بر محصول خویش را برای مدتی از بین برده است.